

مابعد الطبیعه

از دیدگاه فارابی و ابن سینا

سیلاکیان خواه



شابک

۹۷۸-۶۲۲-۶۳۳۱-۰۲-۹ :

شماره کتابشناسی ملی : ۵۴۸۷۲۲۸

عنوان و نام پدیدآور : مابعدالطبیعه از دیدگاه فارابی و ابن سینا/ مولف لیلا کیان خواه.

مشخصات نشر : تهران : موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۴۳۲ ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۳۹۹] - ۴۰۰.

یادداشت : نمایه.

موضوع : مابعدالطبیعه

موضوع : Metaphysics

موضوع : فارابی، محمدبن محمد، ۴۲۶۰ - ۳۳۹ ق. - دیدگاه درباره مابعدالطبیعه

موضوع : -- Views on metaphysics Farabi, Muhammad ibn Muhammad

موضوع : ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. - دیدگاه درباره مابعدالطبیعه

موضوع : Avicenna -- Views on metaphysics

رده بندی دیویی : ۱۰ :

رده بندی کنگره : BD۱۱۸/ف۲، ک۹ ۱۳۰۰ :

سرشناسه : کیان خواه، لیلا، ۱۳۵۶ -

شناسه افزوده : موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

شناسه افزوده : Muassasah-i Pizhūhishī-i Hikmat va Falsafah-i Irān

وضعیت فهرست نویسی : فیا



مابعدالطبیعه از دیدگاه فارابی و ابن سینا

مؤلف: لیلا کیان خواه

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰,۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان شهید آراکلیان، پلاک ۴

تلفن: ۶۶۴۰۵۴۴۵، نمابر: ۶۶۹۵۳۳۴۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۳۱-۰۲-۹ ISBN: 978-622-6331-02-9

حق چاپ و نشر محفوظ است

www.irip.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
بخش اول: تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه فارابی و ابن سینا	۲۳
فصل اول / تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه ارسطو	۲۷
۱-۱. منشأ نام مابعدالطبیعه	۲۷
۲-۱. تعریف مابعدالطبیعه در آثار ارسطو	۲۸
۱-۲-۱. تعریف مابعدالطبیعه در اندیشه بزرگ	۲۹
۲-۲-۱. تعریف مابعدالطبیعه در آثار فارابی	۳۵
۳-۲-۱. تعریف مابعدالطبیعه در آثار ابن سینا	۳۹
۴-۲-۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۴۵
فصل دوم / مروری اجمالی بر تعریف مابعدالطبیعه در آثار فلاسفه از ارسطو تا فارابی ...	۴۹
۱-۲. تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه اسکندر افرویدی	۵۱
۱-۲-۱. شرح اسکندر بر کتاب آلفای بزرگ	۵۲
۲-۱-۲. شرح اسکندر بر کتاب گاما	۵۳
۲-۲. تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه آمونیوس	۶۱
۱-۲-۲. مقدمه آمونیوس بر شرح مقولات	۶۳
۲-۲-۲. مقدمه آمونیوس بر شرح مابعدالطبیعه	۶۸
۳-۲. تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه کندی	۷۰

- ۷۱-۲-۱. رساله فی حدود الاشیاء ورسومه..... ۷۱
- ۷۲-۳-۲. رساله فی الجواهر الخمسة..... ۷۲
- ۷۳-۳-۲. رساله فی الفلسفة الأولى..... ۷۳
- ۷۴-۳-۲. رساله فی کمة کتب أرسطو طاليس..... ۷۴
- فصل سوم / تعريف مابعدالطبیعه از دیدگاه فارابی..... ۷۷
- ۱- تعريف مابعدالطبیعه در الجمع بین رأی الحکیمین..... ۷۸
- ۲-۳. تعريف مابعدالطبیعه در برهان..... ۸۶
- ۲-۳. تعريف مابعدالطبیعه در ما ينبغي أن يقدم قبل تعلم الفلسفة..... ۹۲
- ۳-۴. تعريف مابعدالطبیعه در التنبیه علی سبیل السعادة..... ۹۷
- ۳-۵. تعريف مابعدالطبیعه در إحصاء العلوم..... ۱۰۰
- ۳-۶. تعريف مابعدالطبیعه در رساله فی أغراض مابعدالطبیعه..... ۱۰۶
- ۳-۷. تعريف مابعدالطبیعه در التمهیدات..... ۱۲۹
- ۳-۸. تعريف مابعدالطبیعه در تحصیل المادة..... ۱۳۳
- ۳-۹. تعريف مابعدالطبیعه در فلسفة أرسطو طاليس..... ۱۴۷
- ۳-۱۰. تعريف مابعدالطبیعه در الحروف..... ۱۶۱
- ۳-۱۱. تعريف مابعدالطبیعه در فصول متترعة..... ۱۶۵
- ۳-۱۲. جمع بندی آرای مختلف فارابی در تعريف مابعدالطبیعه..... ۱۷۰
- ۳-۱۲-۱. جمع بندی دیدگاه فارابی در آثار گروه اول و دوم..... ۱۷۱
- ۳-۱۲-۲. جمع بندی دیدگاه فارابی در آثار گروه سوم: (تحصیل السعادة)..... ۱۷۱
- أرسطو طاليس، الحروف و فصول متترعة..... ۱۷۳
- ۳-۱۳. جمع بندی نهایی..... ۱۷۵
- فصل چهارم / تعريف مابعدالطبیعه از دیدگاه ابن سینا..... ۱۸۱
- ۴-۱. تعیین موضوع علم مابعدالطبیعه..... ۱۸۲
- ۴-۱-۱. بررسی وجود خدا به عنوان موضوع مابعدالطبیعه..... ۱۸۳

۱۸۶.....	۲-۱-۴. بررسی علل قصوی به عنوان موضوع مابعدالطبیعه
۱۹۰.....	۳-۱-۴. اثبات موضوعیت «موجود بما هو موجود»
۱۹۳.....	۲-۴. نسبت مسائل فلسفی با «موجود بما هو موجود»
۱۹۶.....	۳-۴. چگونگی بحث از مبادی «موجود بما هو موجود» در مابعدالطبیعه
۱۹۸.....	۴-۴. بخش های مختلف علم مابعدالطبیعه
۲۰۰.....	۵-۴. وحدت مابعدالطبیعه
۲۰۱.....	۶-۴. تقسیمات علوم نظری و تعریف مابعدالطبیعه
۲۰۱.....	۴-۱-۱. / لایات شفاء
۲۰۴.....	۴-۶-۲. مدخل منطق شفاء
۲۰۵.....	۴-۶-۱. دانش علایی
۲۰۷.....	۴-۶-۲. منطق المرفوع
۲۰۹.....	۴-۶-۵. تعلیقات
۲۱۱.....	۴-۶-۶. عیون الحکمة
۲۱۳.....	۴-۶-۷. أقسام العلوم العامة
۲۱۶.....	۴-۷-۷. اسامی مختلف علم مابعدالطبیعه در ابن سینا
۲۱۹.....	۴-۸. غایت مابعدالطبیعه
۲۲۳.....	بخش دوم: تفسیر موضوع مابعدالطبیعه از دیدگاه فارابی و ابن سینا
۲۲۷.....	فصل اول / بررسی «موجود» از دیدگاه فارابی
۲۲۷.....	۱-۱. بحث لغوی و ریشه شناسی
۲۳۱.....	۱-۲. بررسی معانی اصطلاحی موجود
۲۳۳.....	۱-۲-۱. معانی موجود از دیدگاه ارسطو
۲۳۵.....	۱-۲-۲. معنای نخست «موجود» از دیدگاه فارابی
۲۴۱.....	۱-۲-۳. معنای دوم «موجود»
۲۴۲.....	۱-۲-۴. معنای سوم «موجود»

- ۲۵۶..... ۵-۲-۱. تقسیم موجود به بالقوه و بالفعل
- ۲۵۸..... ۶-۲-۱. رابطه «موجود» و «شیء»
- ۲۵۸..... ۷-۲-۱. رابطه میان معانی «موجود»
- ۲۶۱..... ۸-۲-۱. موجودات خارج از مقوله
- ۲۶۶..... ۹-۲-۱. تحلیل معنای «غیر موجود»
- ۲۶۸..... ۱۰-۲-۱. موجود به معنای «رابط قضایا»
- ۲۷۱..... ۳-۱. چگونگی پرسش از «موجود» (سؤال هل)
- ۲۷۲..... ۱-۳-۱. رالات با «هل بسیطه»
- ۲۷۸..... ۱-۳-۱. رالات با «هل مرکبه»
- ۲۸۰..... ۲-۳-۱. تاربر، سؤال «هل» در علوم
- ۲۸۱..... ۴-۱. بررسی چگونگی «اطلاق» وجود بر موجودات از دیدگاه فارابی
- ۲۸۳..... ۱-۴-۱. اشاره‌ای به دیدگاه ابن سینا در مورد اطلاق «موجود»
- ۲۸۹..... ۲-۴-۱. بررسی دیدگاه فارابی در مورد اطلاق اسم «موجود»
- ۳۱۵..... ۳-۴-۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
- ۳۱۷..... ۵-۱. تأملی دوباره در تعاریف مابعدالطبیعه از دیدگاه فارابی
- ۳۲۳..... فصل دوم / بررسی «موجود» از دیدگاه ابن سینا
- ۳۲۴..... ۱-۲. پداهت موجود
- ۳۲۷..... ۲-۲. اشتراک معنوی موجود
- ۳۳۱..... ۳-۲. تمایز وجود و ماهیت
- ۳۴۰..... ۴-۲. تمایز واجب‌الوجود از ممکن‌الوجود
- ۳۴۰..... ۱-۴-۲. تعریف واجب و ممکن
- ۳۴۱..... ۲-۴-۲. تبیین رابطه علیت بر اساس اصل تمایز واجب از ممکن
- ۳۴۳..... ۳-۴-۲. امکان ذاتی ماهوی ملاک نیاز به علت
- ۳۴۴..... ۴-۴-۲. واجب‌الوجود، علت «وجود» ممکنات

۳۴۵	۲-۴-۵. وجود ممکن، وجود ربطی تعلقی.....
۳۴۶	۲-۴-۶. واجب الوجود ماهیت ندارد.....
۳۵۳	۲-۶. تعیین مصداق «موجود بما هو موجود» از دیدگاه ابن سینا.....
۳۵۴	۲-۶-۱. شمول موجود بما هو موجود.....
۳۵۷	۲-۶-۲. ساحت بحث از موجود بما هو موجود.....
۳۶۱	فهرست منابع.....
۳۶۱	منابع فارسی.....
۳۶۲	منابع عربی.....
۳۶۶	منابع انگلیسی.....
۳۶۹	پیوست / تصحیح انتقادی رساله «فی أغراض ما بعد الطبيعة».....
۳۶۹	مقدمه تصحیح انتقادی.....
۳۶۹	رساله فی أغراض در منابع تاریخی.....
۳۷۱	عنوان رساله.....
۳۷۳	بررسی و ارزیابی چاپ‌های پیشین.....
۳۷۴	ترجمه‌های رساله.....
۳۷۶	فهرست نسخ تهیه شده.....
۳۸۱	مشخصات نسخ خطی مبنای تصحیح.....
۳۸۵	مقاله فی أغراض ما بعد الطبيعة.....
۳۹۵	فهرست منابع.....
۴۰۱	نمایه.....

مقدمه

در طول تاریخ، یکی از مهم‌ترین دلایل اختلاف نظام‌های مابعدالطبیعی، اختلاف دیدگاه مؤسسان این نظام‌ها در ارائه تعریف مابعدالطبیعه و تعیین موضوع آن بوده است. این اختلاف‌ها سبب شده تا نظام‌های مابعدالطبیعی دارای ساختارها و مسائل متفاوتی باشند. به‌عنوان مثال، فارابی^۱ و ابن‌سینا^۲ وجود قرابت فکری و تاریخی، مابعدالطبیعه را بر یک سیاق تعریف نمی‌کنند و در نتیجه نظام مابعدالطبیعی واحدی را بنیان نمی‌نهند. علاوه بر این، متفکرانی متفکران، با وجود ارائه تعریف واحد از مابعدالطبیعه، تفسیر واحدی از موضوع مابعدالطبیعه ندارند و در نتیجه، نظام مابعدالطبیعی متفاوتی را بنا می‌نهند. بنابراین، بررسی دقیق تعریف مابعدالطبیعه و موضوع آن از جمله گام‌های نخستین و ضروری در شناخت نظام‌های مابعدالطبیعی گوناگون است.

شناخت آرای فارابی و ابن‌سینا نیز، به‌عنوان مؤسسان نظام فکری فلسفه اسلامی، منوط به بررسی همین مسائل ابتدایی و ضروری است. به جهت همین ضرورت و با توجه به علاقه‌ای که به بررسی آرای متفکران مشایی و تطور آرای ایشان در طول تاریخ دارد، چراغ شدم تا تعریف و موضوع مابعدالطبیعه را در نظام فکری فارابی و ابن‌سینا بررسی کنم و حاصل آن را به‌عنوان مقدمه‌ای ضروری برای مطالعه آرای فلسفی این دو فیلسوف بزرگ ارائه دهم.

۱. محمد بن محمد بن طرخان فارابی (۲۵۸-۳۳۹ ه.ق؛ ۸۷۰-۹۵۰ AC).

۲. حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ه.ق؛ ۹۸۰-۱۰۳۷ AC).

بر این اساس، تمرکز این پژوهش^۱ بر روی آثار فارابی و ابن‌سینا است و البته، بنا به ضرورت و به منظور شناخت دقیق آرای ایشان، کوشش شده تا خاستگاه آرای فلسفی آنها نیز بررسی شود. علاوه بر این، در خلال بررسی آرای این دو متفکر بزرگ، تلاش می‌شود تا نقاط اشتراک و مهم‌تر از آن، نقاط افتراق آن دو مشخص شود. تعیین نقاط افتراق این دو فیلسوف میزان ابتکارات و ابداعات فلسفی ابن‌سینا را به‌خوبی نشان می‌سازد.

ابن‌سینا بحث از تعریف و موضوع مابعدالطبیعه را در نظام فلسفی خود به‌صورت یک مسئله فلسفی تنظیم کرده و در اکثر آثار خود به آن می‌پردازد. او در *مصول الحسنة إلهیات شفاء* موضوعیت موجود بما هو موجود برای مابعدالطبیعه را با سه طریق اثبات می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ الف، ۱۰-۱۶). از آنجا که مطالعه و بررسی کتاب *مابعدالطبیعه* ارسطو^۲ نیز نشان می‌دهد که وی، در کتاب *گاما*، مابعدالطبیعه را دانش موجود بما هو موجود می‌داند، ممکن است چنین تصور شود که در طول تاریخ فلسفه، از ارسطو تا ابن‌سینا، تعریف مابعدالطبیعه بر مبنای موجود مطلق بوده و این رأی از طریق آرا و آثار فلاسفه یونانی و یونانی‌تباری به سرزمین‌های اسلامی منتقل شده و، در نهایت، در اختیار ابن‌سینا قرار گرفته است. ولی بررسی آثار فلاسفه مقدم بر ابن‌سینا نشان می‌دهد که تعریف علم مابعدالطبیعه و تعیین موضوع آن، پس از ارسطو تا زمان ابن‌سینا، از وضوح و دقت بالایی برخوردار نبوده و علاوه بر آن، هرگز به‌عنوان یک مسئله فلسفی مورد توجه قرار نگرفته است، بلکه ابن‌سینا، برای نخستین

۱. این اثر، حاصل یک طرح پژوهشی در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران است که در خلال سال‌های ۹۱ تا ۹۴ به انجام رسیده و پس از تکمیل و بازبینی به‌صورت کتاب حاضر ارائه شده است.

2. Aristoteles (384-322 BC)

بار در تاریخ فلسفه، بحث از تعریف و موضوع مابعدالطبیعه را در نظام فلسفی خود، طرح کرده است (Bertolacci, 2006, 114).

خاستگاه اصلی طرح این مسأله کتاب *مابعدالطبیعه* ارسطو است؛ ارسطو در کتاب *مابعدالطبیعه* سه تعریف متفاوت برای دانش مابعدالطبیعه ذکر می‌کند. او، در کتاب *آلفای بزرگ*، مابعدالطبیعه را علم شناخت تبیین‌های نخستین همهٔ اشیا دانسته و در کتاب *گاما*، مابعدالطبیعه را علم موجود بما هو موجود و عوارض ذاتی آن و در کتاب *پسین*، آن را دانش علل و مبادی نخستین می‌داند. بررسی دقیق آثار فلاسفهٔ اسلامی مقدم بر این سه تعریف فلاسفهٔ یونانی و یونانی‌مآبی متأخر بر ارسطو نشان می‌دهد که تارiffs مختلف از مابعدالطبیعه در کتاب *مابعدالطبیعه* ارسطو و عدم جمع‌بندی بیان ارتباط دقیق این تعاریف، باعث شده تا شارحان و مفسران آثار وی، بر ادوار مختلف تاریخ، مواضع مختلفی اتخاذ کرده و تعریفی را بر تعاریف دیگر ترجیح دهند (Bertolacci, 2006, 140-142). موضع‌گیری‌های متفاوت شارحان ارسطو و در قبال تعریف مابعدالطبیعه موجب پدید آمدن یک پرسش فلسفی مهم در طول تاریخ فلسفه، از ارسطو تا ابن‌سینا شده است. مسأله‌ای که نخستین از ابن‌سینا به اهمیت آن پی برد و آن را به صورت فلسفی تنظیم کرد.

فارابی بحث از تعریف و موضوع مابعدالطبیعه را به صورت یک مسأله فلسفی طرح نمی‌کند، ولی در ضمن آثار فلسفی خود به این بحث پرداخته است. پژوهش در آثار فارابی نشان می‌دهد که او در این زمینه دارای وحدت رویه نیست و به طور کلی آرای او را در این باب می‌توان به سه دستهٔ اصلی تقسیم کرد: ۱. او در برخی از آثار خود یک تبیین و تحلیل ابتدایی از اصطلاح موجود بما هو موجود ارائه داده و فلسفه و مابعدالطبیعه را بر اساس این تحلیل تعریف می‌کند؛ ۲. در برخی دیگر از آثار خود، تبیین نهایی خود را از اصطلاح موجود بما هو موجود ارائه می‌دهد.

ابن سینا این رأی را به طور کامل پذیرفته و آن را در بسیاری از آثار خود ذکر می‌کند؛ و ۳. در برخی دیگر از آثار خود که حجم زیادی از آثار او را تشکیل می‌دهد، با نظر به تعریف ارسطو در کتاب‌های *آلفای بزرگ* و *اپسیلن*، تعریفی متفاوت ارائه می‌دهد که البته مورد اقبال ابن سینا نیست.

ابن سینا، از بین تعاریف فارابی، تعریف مابعدالطبیعه بر اساس موجود به هم موجود را مورد توجه قرار داده و رساله *فی أغراض فارابی* را که بر محور این تعریف ارائه شده مورد تمجید و تحسین قرار می‌دهد و عبارات آن را در بسیاری از آثار خود تکرار کرده و مبنای مباحث خود قرار می‌دهد. علی‌رغم اقبال ابن سینا به این تعریف، و تبیین رابطه مابعدالطبیعه و مباحث خداشناسی بر مبنای آن، به نظر می‌رسد که ابن سینا این تعریف را با زلالت کامل نپذیرفته و در برخی از آثار خود به تعریف دیگری نیز اشاره دارد.

علاوه بر اختلاف فارابی و ابن سینا در ارائه تعریف مابعدالطبیعه، این دو فیلسوف تمایزات مهمی نیز در تفسیر «وجود» به عنوان موضوع مابعدالطبیعه دارند. بر اساس این تفسیر متفاوت، وجود اینکه ابن سینا در اکثر آثار خود مابعدالطبیعه را به سبک رساله *فی أغراض* و با محوریت موجود بما هو موجود تعریف می‌کند، ولی مابعدالطبیعی متفاوت از فارابی ارائه می‌دهد.

از دیدگاه فارابی، حمل «موجود» بر موجودات بنا بر اشتراک معنوی نبوده و در نتیجه «موجود» در موجودات مختلف به معانی گوناگون به کار می‌رود؛ در حالی که «موجود» از دیدگاه ابن سینا بر اساس حمل تشکیکی، که از اقسام اشتراک معنوی است، بر موجودات حمل شده و دارای معنای محصلی است که البته به دلیل بداهت این معنا نمی‌توان برای آن تعریفی ارائه کرد. این اختلاف اساسی در تفسیر «موجود» سبب

شده تا دو نظام فکری متفاوت توسط این دو فیلسوف ارائه شود. **منطق طرح بحث:** در راستای مسائل فوق‌الذکر، این پژوهش مشتمل بر دو بخش اساسی است. در بخش اول، پس از اشاره مختصری به تعریف مابعدالطبیعه از دیدگاه ارسطو و برخی از شارحان وی، تعریف مابعدالطبیعه در آثار فارابی و سپس در آثار ابن‌سینا مورد بررسی قرار خواهد گرفت. البته در خلال بحث کوشش می‌شود تا نسبت تعریف و یا تعاریف فارابی با تعریف مختار ابن‌سینا روشن شود.

در بخش دوم، تفسیر «موجود» به عنوان موضوع مابعدالطبیعه از دیدگاه این دو فیلسوف، و اشتراکات و افتراقات این دو دیدگاه بررسی می‌شود. در نهایت، پس از اتمام مطالب کتاب، به دلیل اهمیت رساله «فی أغراض مابعدالطبیعة» فارابی در ارائه تعریف علم مابعدالطبیعه، تصحیح انتقادی این رساله نیز ارائه شده است.

دامنه تحقیق: در این پژوهش، کوشش شده است تا با مراجعه به تمام آثار فارابی و ابن‌سینا، کلیه آثاری که به طور مستقیم و غیرمستقیم در راستای مسائل این پژوهش بوده‌اند مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، دامنه این پژوهش بخش عمده‌ای از آثار فارابی و ابن‌سینا را شامل می‌شود که به نحوی در آنها تعریفی از مابعدالطبیعه، یا تفسیری در مورد موضوع آن ارائه شده است. البته هرچند که این پژوهش متمرکز بر آثار فارابی و ابن‌سینا است، به تناسب بحث، آرای برخی دیگر از فلاسفه نیز بررسی شده است.

مهم‌ترین آثار فارابی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: *الألفاظ المستعملة في المنطق، إحصاء العلوم، تحصیل السعادة، تعليقات، کتاب الجمع بین رأیی الحکیمین، الحروف، فصول منتزعة، فلسفة أرسطوطاليس، التنبيه على سبيل السعادة، الواحد والوحدة، ماينبغي أن*

یَقْدَم قبل تعلّم الفلسفة، في أغراض مابعدالطبیعة، في جواب مسائل سئل عنها، السياسة المدتیة و آراء أهل المدينة الفاضلة.

البته با توجه به اینکه ترتیب تاریخی آثار فارابی کاملاً روشن نیست، نمی‌توان به‌راحتی در مورد تقدم و تأخر آرای او نظر داد،^۱ ولی در مورد

۱. به‌ری از کتب تاریخی معتبر همانند الفهرست (ابن‌ندیم، ۱۳۸۱، ۴۷۴)، اخبار العلماء (مطی، ۱۳۲۶، ۱۸۲-۱۸۴)، التعریف بطبقات الأمم (اندلسی، ۱۳۷۶، ۲۲۲-۲۲۴) و تَمِّمَة صَوَانِ الْحِکْمَةِ (ب. سی، ۱۱۶۵، ۳۰-۳۵) تنها به ذکر برخی از آثار وی اشاره کرده و تاریخ تألیف آنها را روشن ننموده‌اند. در میان کتب تاریخی، عباراتی در کتاب‌های عیون الأنباء و وفیات الأعیان به تاریخ تألیف برخی از آثار وی اشاره نموده‌اند. یک عبارت کوتاه در کتاب عیون الأنباء وجود دارد که تاریخ تألیف کتاب آراء أهل المدينة الفاضلة را مشخص کرده و به تاریخ تألیف اثر دیگری نیز اشاره دارد:

«الفارابی کتب المدينة الفاضلة بغداد سنة ۳۳۰ هـ و تممه بدمشق عام ۳۳۱ هـ و حرّره، ثمّ نظر فی النسخة بعد التحریر فأثبت فی الأبواب ثمّ سأله بعض الناس أن یجعل له فصولاً تدلّ علی قسمة معانیه فعمل الفصل بمصر فی سنة سبع وثلاثین وهی سنة فصول» (ابن‌ابی‌أصیبعة، ۱۲۹۹، ج ۲، ۱۳۸-۱۳۹).

بنابراین، ابن‌ابی‌أصیبعة معتقد است که فارابی تألیف کتاب آراء را در بغداد شروع کرد و در آخر سال ۳۳۰ یا خود به شام برده و در سال ۳۳۱ آن را تکمیل داده است.

همان‌گونه که در عبارت مذکور از ابن‌ابی‌أصیبعة مشاهده می‌شود، تاریخ تألیف کتاب دیگری را نیز متعلق به همین دوران می‌داند. محسن مهدی در مقدمه خود به تصحیح کتاب فصول مبادئ آراء أهل المدينة الفاضلة، این عبارات را دال بر فصولی می‌داند که فارابی در کتاب فصول مبادئ آراء أهل المدينة الفاضلة، در ضمن شش فصل، به ارائه رؤس مطالب کتاب آراء پرداخته است. (فارابی، ۲۰۰۱، مقدمه محسن مهدی، ۲۸) در مقابل این دیدگاه، مصحح کتاب فصول منتزعة، با استناد به بیانات دانلوپ، این عبارات را دال بر کتاب فصول منتزعة فارابی و تاریخ تألیف آن می‌داند. البته با توجه به اینکه کتاب فصول منتزعة موجود حاوی ۹۵ فصل است و متن کتاب عیون الأنباء کتابی مشتمل بر ۶ فصل را گزارش می‌کند، دانلوپ این احتمال را مطرح می‌کند که ممکن است این کتاب قبلاً حاوی ۹۶ فصل بوده و کلمه تسعون در متن عیون الأنباء جا افتاده باشد (فارابی، ۱۴۰۵، مقدمه فوزی متری نجار، ۱۳).

علاوه بر آثار فوق، ابن‌خلکان در کتاب وفیات الأعیان عبارتی شبیه عبارات کتاب عیون الأنباء را از قول صاعد اندلسی در مورد تألیف کتاب السياسة المدتیة، البته بدون ذکر تاریخ آن، نقل می‌کند و آن

آثار ابن سینا با وضعیت متفاوتی مواجه ایم. تاریخ دقیق بسیاری از آثار ابن سینا توسط خود او و شاگردانش ثبت شده است. هرچند که در این میان کتب و رسالاتی نیز وجود دارند که تاریخ تألیف آنها روشن نیست.^۱



را منقول از کتاب *طبقات الحكماء* قاضی صاعد می‌داند. با توجه به اینکه این عبارت در کتاب *التعریف* قاضی صاعد یافت نمی‌شود، ممکن است که ابن خلکان به اثر دیگری از قاضی صاعد اشاره داشته که هم‌اکنون از بین رفته و یا ممکن است منظور ابن خلکان همان کتاب *التعریف* بوده ولی عبارت مذکور در متن فعلی از بین رفته باشد. ابن خلکان این عبارت را چنین نقل می‌کند:

«... أبو نصر في كتابه الموسوم بالسياسة المدنية أنه ابتداء بتأليفه في بغداد وأكمل به بمصر ثم عاد إلى دمشق وأقام...» (ابن خلکان، ۱۹۶۸، ج ۵، ۱۵۵).

می‌توان، بر اساس عبارت ذکرشده از ابن خلکان و شباهت زیاد متن کتاب *السياسة المدنية* و کتاب *آراء*، تألیف این دو اثر را متعلق به دوره زمانی واحدی دانست. اگرچه این احتمال هم وجود دارد که این عبارت در گزارش خود دچار اشتباه شده و همان متن ابن ابی‌اصیعه را به اشتباه نقل کرده باشد. (ابن ابی‌اصیعه، ۱۳۶۱، مقدمه فوزی متری نجار، ۱۷-۱۸).

علاوه بر آثاری که کتب تاریخی به تاریخ تألیف آنها اشاره دارند، تاریخ تألیف برخی دیگر از آثار فارابی را هم می‌توان تا حدودی تخمین زد. محسن مهدی در مقدمه خود بر تصحیح کتاب *الحروف*، با توجه به وقوع مناظره بین ابوسعید خراسانی و ابوبشر منی در تاریخ ۳۲۰ هجری قمری در بغداد، تاریخ تألیف این کتاب را اندکی پس از وقوع این مناظره و در خلال سال‌های اقامت فارابی در بغداد می‌داند. محسن مهدی احتمال می‌دهد که فارابی این کتاب را پس از بسیاری از آثار و شروح منطقی خود و البته قبل از کتب مشهوری مانند کتاب *آراء والسياسة المدنية* نگاشته باشد (فارابی، ۱۹۸۶، مقدمه محسن مهدی، ۴۳-۴۹).

علاوه بر آثار فوق، در کتاب *تحصيل السعادة* نیز عبارتی وجود دارد که به نوعی تاریخ تألیف سه اثر فارابی اشاره دارد. فارابی در انتهای مطالب کتاب *تحصيل السعادة*، فلسفه‌ای که در این کتاب توصیف شده را دارای منشأ یونانی و از جانب افلاطون و ارسطو دانسته و در پایان کتاب می‌گوید که در ادامه قصد دارد تا به ذکر فلسفه افلاطون و نیز فلسفه ارسطو بپردازد و تألیف کند که غرض آن دو از فلسفه غرضی یکسان بوده و آن دو فلسفه واحدی را ارائه کرده‌اند (فارابی، ۴۰۳، ۹۸-۹۹). بر اساس این عبارات، می‌توان نتیجه گرفت که تألیف کتاب *تحصيل السعادة* و *فلسفه افلاطون و أجزائها* و نیز *فلسفه ارسطو طاليس* متعلق به دوره واحدی از حیات فلسفی فارابی هستند.

۱. گوتاس (Gutas) در کتاب *Avicenna And The Aristotelian Tradition* با استفاده از علم تاریخ‌شناسی آثار و نسخه‌شناسی، ترتیب نگارش بسیاری از آثار ابن سینا را روشن کرده است (Gutas, 1988).